

# انحصارهای فراملی، و صنعت نفت ایران

در ماه های گذشته، اخبار متعددی در باره قراردادهای

سرمايه گذاري هاي كلان شركت هاي چند مليتي در صنايع نفت و گاز ميهن ما انتشار يافته است. مقامات رسمي رژيم ولايت فقيه، در واكنش به اين قراردادها، اعلام داشته اند كه، سرمايه گذاري هاي مذكور در راستاي سياست جلب و جذب و تايمين امنيت سرمايه، و بر پايه مفاد برنامه سوم توسعه صورت پذيرفته است، و در آينده برنامه اينگونه روابط افزوده خواهد شد، زيرا ايران مي بايد براي حضور در بازار جهاني نفت، بر ميزان توليد و صادرات خود بيفزايد. كارشناسان امور نفت و گاز پيش بيني كرده اند كه، افزايش صادرات نفت و گاز ايران، مستلزم سالانه ۱۰

مليارد دلار سرمايه گذاري است. در همين رابطه روزنامه هاي مجاز جمهوري اسلامي، به تاريخ ۷ آذر ماه امسال، گزارش دادند كه، رژيم قراردادهايي را به مبلغ ۷/۵ ميليارد دلار براي اجراي هفت مرحله از ميدان گازی پارس جنوبي و منطقه عسلويه واقع در استان بوشهر منعقد ساخته است.

بيژن نامدار زنگنه، وزير نفت دولت خاتمي، در توضيح پيرامون قراردادهاي فوق، يادآور شد: «اين قراردادها معادل توليد ۲۰۰ ميليون متر مكعب گاز در

در صفحه ۴

# نامه مردم

اركان مركزي حزب توده ايران

شماره ۶۰۲، دوره هشتم  
سال هفدهم، ۲۵ بهمن ۱۳۷۹

## «خوش بود گر محك تجربه آيد به ميان» تحليل هاي «نامه مردم» و اصلاح طلبان حكومتي در بوته آزمايش

## بدون طرد رژيم «ولايت فقيه» تغييرات بنيادين، پايدار و دموكراتيک ممكن نيست

از انتصاب محمود هاشمي شاهرودي، رئيس قوه قضائيه رژيم، بيش از يك سال مي گذرد. به هنگام انتصاب شاهرودي، شماری از اصلاح طلبان حكومتي و همچنين شماری از نيروها و شخصيت هاي اپوزيسيون ضمن استقبال از اين امر، انتصاب شاهرودي را گامی در جهت یاری رساندن به اصلاحات دانستند و برخی تا آنجا پيش رفتند كه سرنوشت اصلاحات را وابسته به مثلث «خاتمي، رفسنجاني و شاهرودي» اعلام كردند. سازمان مجاهدين انقلاب اسلامي، و ارگان آن عصر ما، در كنار روزنامه تعطيل شده «صبح امروز» به سردبيري حجابريان و ديگر نشريات مدافع اصلاحات در همان دوران تحليل هايي را انتشار دادند كه امروز قابل تأمل و بازبيني است. «عصر ما» ارگان سازمان مجاهدين انقلاب اسلامي، شماره ۱۲۱، چهارشنبه ۱۹ خرداد، می نویسد: «مروری بر سير حرکت انقلاب پس از پیروزی و شکل گیری و اكتمال «نظام» جمهوري اسلامي در دهه ۶۰ نشاندهنده آنست كه قوه قضائيه و نيروهاي نظامي و انتظامي، بسوی غير سياسي شدن و قرار گرفتن در مقام نظارت و داوري حرکت كرده است. پس از قرار گرفتن آقای يزدي در راس قوه قضائيه اين روند جهتي معكوس يافت و بر خلاف دوره رياست آيت الله موسوي اردبيلي قوه قضائيه وارد معادلات سياسي شد.» و سپس اظهار

در صفحه ۲

كرد كه اتكاه به قانون اساسي، كه در وضعيت ويژه اي، در ماه هاي نخست پس از انقلاب به همه پرسی عمومي گذاشته شد، و سپس پس از خميني برای تحكيم پايه هاي ائتلاف مرتجعان حاكم به رهبري خامنه اي و رفسنجاني در آن تغييرات عمده بي صورت گرفت نه تنها نمي تواند پاسخگوي خواست هاي مردم و جنبش باشد، بلكه امروز به صورت حربه بي است در دست طرفداران استبداد، كه از آن برای سركوب حقوق مردم بهره مي جويند. عملکرد قوه قضائيه رژيم، شوراي نگهبان، مجمع تشخيص مصلحت نظام، كه همين چند روز پيش به مجلس نمايندگان مردم اجازه نداد، از جمله تغييراتي را به ضرر دستگاه سخن پراكني ارتجاع، يعني صدا و سيما، در لايحه بودجه وارد كند، و همچنين نهادهاي مسلح و سركوبگر رسمي و نيمه رسمي، مانند سپاه، بسيج و جاقو كشان «انصار» ولي فقيه، همگي نشانه روشن دلايل انسداد سياسي و بحران توسعه سياسي هستند. عباس عبيدي، در روزهاي اخير، در مصاحبه بي هفته نامه «عصر ما»، در پاسخ به سئوالی پيرامون انتخابات آينده از جمله گفت: «موضوع اصلي ما اين نيست كه به آقای خاتمي رای بدهيم يا به كس ديگر؟ ... مردم می آیند نظر می دهند و بين دو چيز انتخاب می كنند. يا می گویند ما حكومت «انتصابی» را قبول می كنيم يا «حكومت انتخابی» ... در واقع بحث انتخاب فرد نيست، بحث انتخاب يكي از دو زمينه اجتماعي و سياسي است...»

عبدی در بخش های دیگر این بحث به این موضوع

بحث بر سر انتخابات آينده رياست جمهوري، از يك سو و ادامه تهاجم وسيع مرتجعان حاكم برای سركوب جنبش مردمی، از سوی ديگر همچنان يكي از مهمترين مسايل مورد بحث محافل و شخصيت هاي اجتماعي - سياسي ميهن ماست. پس از چهار سال تجربه اين نظريه كه «همه آزادي ها» و «جامعه مدني» در چارچوب رژيم «ولايت فقيه» ممكن است، نشانه هايي در دست است كه بخش هايي از نيروها و شخصيت هاي مدافع اصلاحات كم كم به اين نتيجه ملموس و مهم می رسد كه بدون تغييرات بنيادين در ساختارهاي حاكميت سياسي و بدون حاكم شدن حاكميت مردم معضل بحران توسعه سياسي در ميهن ما حل ناشدني است. حزب توده ايران سالهاست كه در اين زمينه مشخصاً اعلام كرده است كه بدون طرد رژيم «ولايت فقيه»، تغييرات بنيادين، پايدار و دموكراتيک در ميهن ما ممكن نيست. حزب ما در فردي پيروزي دوم خرداد ۱۳۷۶، اين حرکت تاريخي را فرزندوم مردم ما بر ضد رژيم «ولايت فقيه» اعلام كرد و اظهار نگرانی كرد كه ارتجاع و استبداد حاكم مصمم است تا با استفاده از همه امكانات خود اجازه ندهد تا خواست هاي مردم ما پيرامون تحقق حاكميت مردمی و حرکت به سمت آزادي و جامعه مدني تحقق يابد. حزب ما در اين چهار سال بارها در بحث پيرامون اجراي «حكومت قانون» در شرايط ادامه رژيم «ولايت فقيه» كه سدی جدی است در برابر توسعه سياسي و اين موضوع كه بايد از ايجاد توهم در اين زمينه در ميان توده ها خودداري كرد، پافشاري كرده است. آزمون زندگي سياسي چهار ساله ميهن ما اثبات

### با هم به سوی تشكيل جبهه واحد ضد ديكتاتوري

### برای آزادي، صلح، استقلال، عدالت اجتماعي، و طرد رژيم «ولايت فقيه»!

## □ نگاهی به رویدادهای ایران

### در هفته ای که گذشت □

#### ادامه تحلیل های «نامه مردم» و اصلاح ...

امیدواری شده است که با انتصاب شاهرودی این روند معکوس گردد. و صبح امروز نیز در این زمینه نوشت: «آنچه رنگ خاصی به قوه قضاییه در دوران حاکمیت آقای یزدی بخشیده است، برخی اقدامات شاخص این قوه است که در عرف ناظران نه حاصل عملکرد جاری سیستم قضایی بلکه حاصل تصمیم مسئولان درجه اول آن تلقی شده است. در دوران آقای یزدی به تدریج اهل نظر شاخص هایی برای ارزیابی عملکرد مسئولان درجه اول این قوه یافتند این شاخص ها عبارت بودند از: عملکرد دادگاه ویژه روحانیت در برخورد با روحانیون دارای گرایش هاو دیدگاه های متفاوت از مسئولان قوه قضاییه، برخورد دادگاه مطبوعات با نشریات و روزنامه های مستقل از جناح افتدراگرا، مواضع رئیس قوه قضاییه در سخنرانیهای عمومی و خطبه های نماز جمعه تهران و انتصابهای صورت گرفته توسط شخص رئیس قوه قضاییه.» و روزنامه اطلاعات دوشنبه ۲۵ مرداد ماه به نقل از روزنامه انتخاب نوشت: «با توجه به اینکه آیت الله هاشمی به عنوان چهره های مستقل و معتدل شهرت دارد، اصلاحات به سمت رشد روند اعتدال در قوه قضاییه دور از نظر نیست. قرار گرفتن سید محمود هاشمی در راس قوه قضاییه، این قوه را، در جدال های سیاسی و مناقشات نه چندان مطلوب، زمانی از استحکام بیشتری برخوردار می کند که بر تقویت بی چون وچرای قانون تاکید ورزد.»

«نامه مردم»، ۲۳ شهریور ماه ۱۳۷۸، شماره ۵۶۶، ضمن طرح این نظر که تغییر یزدی و شاهرودی تنها «جا به جایی مهره هاست» در رد چنین نظریه های نادرست و گمراه کننده بی نوشت: «بر اساس نوشته های بالا که در مطبوعات نیروهای «خودی» انعکاس یافته این طور می شود استنباط کرد که با انتصاب شخصی به نام محمد یزدی، قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران به دلیل اقدامات خودسرانه این شخص از جاده عدالت خارج شده و عملکرد آن در جهت منافع جناح خاصی از رژیم سوق داده شده است. وچنانچه شخصی جدید مانند هاشمی در راس این قوه قرار گیرد امید می رود روند تخریبی گذشته در مسیر بازسازی قرار گیرد. چنین برداشتی، مطلقا با واقعیات همخوانی ندارد. افزون بر این، این سؤال نیز مطرح است که چرا و چگونه یک شخص به مدت ده سال بر مسند یکی از مهم ترین ارگان های حکومتی تکیه زده و بنا بر میل و سلیقه خود، هر آنچه را که خواسته انجام داده و به هیچ کس هم جوابگو نبوده است. و باز این سؤال مطرح می شود، بخصوص این سؤال را باید از کسانی کرد که شعار قانون گرایی می دهند، که بر اساس کدام قانون، شخصی در راس یک ارگانی قرار می گیرد و چنین اختیارات نامحدودی را دارد؟»

پس از گذشت نزدیک به یکسال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در اعلامیه بی که در پاسخ به نامه شاهرودی به اعتراضات نمایندگان مجلس منتشر کرد (ایرنا، ۲ بهمن ۱۳۷۹) ضمن ابراز تأسف از پاسخ

پس از گذشت یکسال از آن زمان نمایندگان مردم حق دارند که اصلاحات وعده داده شده را متذکر شده و از روند معکوس یک ساله اخیر در قوه قضاییه اظهار نگرانی کنند.»

ما خرسندیم که بالاخره پس از یکسال تصورات خوشباورانه درباره اصلاح ویرانه قوه قضاییه و ایجاد امید های واهی در میان مردم روزنامه ها، نشریات و جریان های مدافع دوم خرداد، در این زمینه به تحلیل درست تری نزدیک می شوند.

## تشدید مبارزه بر ضد قوه قضاییه و حملات شدید مرتجعان

جامعه مدرسین و جامعه روحانیت «مبارز» ضمن حمله شدید به نیروهایی که از زندانیان سیاسی رژیم ولایت فقیه پشتیبانی می کنند، حمایت قاطع خود را از اقدامات سرکوب گرانه قوه قضاییه اعلام کردند. جامعه مدرسین حوادث اخیر کشور را، حاکی از استراتژی و صف بندی استکبار جهانی و جریان لاییک و التقاط داخلی و توطئه های جدید در جهت تکرار تاریخ نیم قرن اول تاریخ اسلام به منظور استحاله نظام و حذف اسلام و دین و ولایت فقیه از صحنه حاکمیت و تبدیل آن به یک حکومت لاییک دانسته، می نویسد: «رسالت اصلی قوای سه گانه با هدایت و محوریت رهبری، حراست و صیانت از ارکان نظام یعنی رهبریت و جمهوریت و در نهایت تحقق اسلامیت نظام بوده و عدول از این وظیفه انحراف از اصول اسلام و عبور از قانون اساسی خواهد بود.» در هر دو اطلاعیه جامعه مدرسین و جامعه روحانیت نوک نیز حمله متوجه نیروهای حکومتی طرفدار اصلاح معطوف گشته و به سختی به آنها حمله شده است. روزنامه «جمهوری اسلامی»، دوشنبه ۱۷ بهمن نیز در همین ارتباط ضمن خائن خواندن زندانیان سیاسی، در تشریح حمایت نمایندگان از مجلس از آنها می نویسد: «همصدایی عده ای در کسوت نمایندگان مجلس با رسانه های بیگانه و محافل دشمن، مفهوم خاصی دارد که هیچ انسان هوشمندی نمی تواند آن را نادیده بگیرد و صدای آژیر خطری را که از رهگذر این همصدایی ها به گوش می رسد ناشنیده بگیرد. عواقب زیانبار چنین تهاجم سنگین و همه جانبه ای به نظام قضایی کشور، پدید آمدن یک استبداد جدید است. بسیار متأسفیم که ناچاریم در ایام الله دهه مبارک فجر اعتراف کنیم که از مجلس که باید پایگاه قانونمندی و آزاد اندیشی و حمایت از استقلال قوا باشد، صدای پای استبداد می آید. منافع چند مجرم و متخلف و خائن را بر مصالح و منافع

شاهرودی و حرکت آشکار و جناحی او بر ضد اصلاحات از جمله اعلام کرد: «حضرتعالی حق دارید که در حوزه، مدرس فقه یا اخلاق باشید و در وادی سیاست، سخنگو و مدافع این یا آن حزب و جناح سیاسی، اما نباید چنان نقش هایی را با نقش ریاست قوه قضایی خلط کرد و به جای پاسخ دقیق، قانون مدار و مسئولانه از آینده داری و اصلاح مجلس توسط خود سخن گوید» و در انتها این نتیجه گیری که: «امیدواریم فراموش نکرده باشید که شما در آغاز تصدی مسئولیت خود، وعده اصلاحات در ویرانه قوه تحت امرتان را به ملت داده اید و اکنون

بیست و دو سال پس از انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ و در آستانه بیست و سومین سال حکومت رژیم ولایت فقیه بر میهنمان، ایران دوران حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذرانند. هفته گذشته گرچه روند حوادث شباهت هایی با اتفاقات چند هفته گذشته ایران داشت، اما با نگاهی به صحبت ها و اظهارات جناح های حکومتی و فعالان سیاسی می توان به خوبی دید که روند تحولات سیاسی میهن ما به فاز جدید و تعیین کننده بی وارد می شود. هفته گذشته تاج زاده با اعتراض آشکار به بیدادگاهی که برای او در نظر گرفته شده بود عملا به طرح سوالی مبنی بر اینکه وظیفه قوه قضاییه در رژیم ولایت فقیه چیست، دست زد. تاج زاده پس از ترک دادگاه به خبرنگاران گفت: «بنده در هر دادگاهی که برایم تعیین کنند به شرط علنی بودن شرکت می کنم و به یاری خدا دادگاه ها را به محلی برای دفاع از حقانیت حرکت اصلاح طلبان و حقوق ملت تبدیل و کسانی که در مسیر پیروزی این ملت کارشکنی می کنند را افشا خواهم کرد» احمد زید آبادی روزنامه نگار زندانی در جواب درخواست اعضای انجمن دفاع از آزادی مطبوعات و دوستانش مبنی بر پایان دادن اعتصاب غذایش، ضمن تشریح اقدامات و فشارهای فزاینده ای که بر او طی مدت بازداشتش رفته است، جواب منفی داد و نوشت که به جای آنکه به او پیشنهاد شود که بدون دستیابی به خواسته اش، از اعتصاب غذا دست بکشد، سزاوارتر آن است که به دادگستری تهران و قاضی شعبه ۱۴۱۰ تاکید شود که خواسته او را برآورده سازند. زید آبادی در جایی دیگر نوشت: «غرض اصلی من از اعتصاب غذا، فریاد اعتراض به ستم هایی است که طی مدتها نسبت به هزاران زندانی گمنام و بی پناه روا داشته شده است. اعتراض به رفتار قضاتی است که با کوچکترین اتهام افراد را روانه زندان می کنند و خانواده های آنان را متلاشی می سازند. آیا پس از گذشت ۲۲ سال از پیروزی انقلاب، میراث کشور از نظام قضایی، باید انبوه زندانیانی باشد که از تراکم آنها، زندانها به حد انفجار رسیده باشند؟» در حالی که محاکمات فرمایشی فعالان سیاسی توسط قوه قضاییه به طور مستمر ادامه دارد، حملات علیه مجلس و نمایندگان نیز شتاب بیشتری می گیرد.

## ادامه رویدادهای ایران

نظام و مردم ترجیح دادن، چه مفهومی جز تلاش برای حاکم کردن استبداد دارد؟» جنتی دبیر شورای نگهبان برای حفظ رژیم ولایت فقیه در یک سخنرانی در قم در ارتباط با مجلس ششم اظهار داشت که باید بسیاری از افراد دیگر نیز رد صلاحیت می شدند. وی گفت: «من قبول دارم که این شورا به وظیفه اش آن گونه که باید در زمینه رد صلاحیت ها و نظارت عمل نکرد و بسیاری باید رد می شدند، اما ما نیز مشکلاتی داشتیم که به اینجا کشید.» (انتخاب، دوشنبه ۱۷ بهمن) عباس عبدی در یک گفتگو در باره اهداف و آرمان های انقلاب گفت: «مشکل ما در تحقق شعارهای انقلاب همان مساله ای است که برای آن انقلاب شد یعنی مردم به دنبال یافتن حق حاکمیت خویش بودند. با گذشت ۲۲ سال از پیروزی انقلاب به تازگی می گویند مقصود امام خمینی اصلا جمهوری نبود.» وی در باره اولویت های دهه سوم انقلاب گفت: «اولویت های دهه سوم با دهه اول انقلاب که مشارکت و حق حاکمیت مردم بود، تفاوت ندارد و این بسیار روشن است.» وی در زمینه استراتژی احزاب تا انتخابات ۸۰ گفت: «استراتژی احزاب باید این باشد که ماهیت حکومت بالاخره چیست؟ ماهیت جمهوریت این حکومت باید روشن شود چرا که اسلامی که بر مبنای جمهوریت شکل نگیرد، اسلام نیست استبداد است و بنیان اسلام را در این مملکت از بین می برد.» (ایسنا، ۱۹ بهمن).

## بحران اقتدار

سخنان امیر محبیبان عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت، در روزهای گذشته قابل تأمل است. وی در میزگرد آسیب شناسی و آینده انقلاب اسلامی گفت: «بزرگترین بحرانی که در حال حاضر جامعه ما با آن روبه رو است بحران اقتدار است. چرا که در زمان حیات امام، بسیاری از مشکلات توسط شخصیت کاریزماتیک ایشان حل می شد. اما به مرور این اقتدار در حال دگرگونی است.» وی در پاسخ به این سوال که چرا امکان گفت و گو و دیالوگ وجود ندارد، گفت: «ما تئوری ای که راهنمای عملمان باشد، نداریم و نتوانستیم الگوی حکومتی قابل قبولی را تبیین کنیم.» (انتخاب ۱۸ بهمن)

یونسی وزیر اطلاعات در همایش وحدت و امنیت ملی در قم گفت: «همه باید تلاش کنیم و اختلافات را فرصت بدانیم، زیرا وجود اختلافات زمانی مضر است که دامنه آن به مسایل ایدئولوژی سرایت کند و الا اختلاف نظر و سلیقه در تمام جوامع وجود دارد.» یونسی افزود: «یکی از آشکالات ما این است که رقابت را به جای این که در تأمین اهداف مردمی و مسایل مدیریت بدانیم رقابت را به مسایل ایدئولوژیک می کشانیم و این خطرناک است.» (انتخاب ۱۹ بهمن)

سخنان امیر محبیبان و یونسی از آن رو قابل اهمیت است که هر دو بر یک مسئله انگشت گذاشته اند و آن بحران ایدئولوژیک است. محبیبان به طور کاملاً آشکار اعتراف می کند بر خلاف فریادهای وا اسلامای سرکوب گران، حکومت فعلی از ریشه از هر گونه بنیان ایدئولوژیکی تهی است. بر اساس گفته های محبیبان مبنای حکومت رژیم ولایت فقیه بر اساس زور و سرکوب که اقتدارش می نامد استوار است و رنگ و روی مذهبی آن پوششی است بر سرکوب گری های بیست و دوساله و درست به همین دلیل یونسی کشاندن رقابت ها به مسایل «ایدئولوژیک» را خطرناک تلقی می کند چون اصولاً ایدئولوژی وجود ندارد که در محیط بحث و جدل از آن دفاع کرد. صرف نظر از سخنان عبدی که اشاره ای به مسایل کلیدی امروز جامعه دارد، بیانیه جامعه مدرسین، جامعه روحانیت و سرمقاله های روزنامه های جناح حکومتی طرفدار سرکوب را چگونه می توان تعبیر کرد؟ آیا هیچ گونه شکی می توان کرد که برای بقای حاکمیت موجود هیچ راهی به جز سرکوب نمانده است؟ روند سرکوبی که از اوایل دهه شصت با سرکوب خونین نیروهای مترقی آغاز گردید امروز حتی به داخل مجلسی که از صافی شورای نگهبان عبور کرده است رسوخ پیدا کرده است. در این نکته نباید شک کرد که جنایت کار همیشه جنایت کار است. کسانی که با پی رحمی و ددمنشی ظرف مدت کوتاه هزاران هزار انسان بی گناه را به بالای دار فرستادند در اینکه چنین اعمالی را در حق هر نیرویی حتی «خودی» هم انجام دهند شک نباید کرد. کسانی که با عقب نشینی های ممتد در صدد حاکم کردن عقلانیت بر این جنایت کاران هستند خود را به باتلاق مرگ هدایت می کنند. مقاومت در برابر اقدامات سرکوب گرانه تنها راه عقلانی برای حفظ خویش و جنبش مردمی است. فراموش نکنیم مدت ها پیش

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در یک مصاحبه وضعیت فعلی را با وضعیت دهه شصت مشابه دانست. این گفته رضایی انعکاس تفکرات بالاترین مقامات حکومتی بود. شباهت های وضعیت فعلی با دهه شصت قاعدتا مقابله های همانند را هم ضروری می سازد.

## مشاور رئیس جمهوری و حقوق زنان

محمد خاتمی در اولین مصاحبه مطبوعاتی اش با رسانه های داخلی و خارجی بعد از انتخابات خرداد ۷۶ در جواب سوالي که آیا در کابینه آینده او پستی برای زنان در نظر گرفته شده است، تلویحا جواب مثبتی داد. این به دلیل نقش تعیین کننده و حساس زنان در روند تحولات سیاسی میهن و بخصوص شرکت گسترده آنان در همان انتخابات بود. عدم توجه حتی ظاهری به این قشر میلیونی جمعیت کشورمان به معنای خودکشی برای هر نیروی سیاسی است. ماحصل آنچه از این رهگذر نصیب زنان گردید، انتخاب زهرا شجاعی به عنوان مشاور رئیس جمهوری در امور زنان بود. یک پست تشریفاتی و کاملا از محتوا تهی که تنها وظیفه اش پس از نزدیک به چهار سال تصدی این پست، بزک کردن احکام ارتجاعی رژیم ولایت فقیه و حمایت های ظاهری از زنان بوده است که از نظر زنان آزاده میهنمان انعکاس تفکرات مرتجع ترین مقامات حکومتی است. زهرا شجاعی اخیرا سفری به استان چهارمحال و بختیاری که یکی از محروم ترین استان های کشور است داشت که بررسی این سفر خالی از لطف نیست. شجاعی در جمع مسئولین هیات ورزشی گفت: «ورزش بانوان پس از انقلاب چه از لحاظ کمی و چه از حیث کیفی با دوران گذشته قابل مقایسه نیست.» وی تصریح کرد که پیش از انقلاب تنها زنانی که از امکانات رفاهی و مادی برخوردار بودند به ورزش می پرداختند و این مسئله پدیده ای لوکس برای طبقه مرفه جامعه محسوب می شد و جنبه مردمی نداشت. شجاعی با اینکه سعی دارد به استتار چهره کربه رژیم ولایت فقیه در عرصه ورزش زنان بپردازد بدون اینکه خود متوجه باشد در دنباله سخنان خود چهره از ماهیت زن ستیز خود برمی دارد و می گوید: «از آنجا که دختران نمی توانند مانند پسران در هر محیطی به فعالیت ورزشی بپردازند، احداث اماکن ورزشی برای آنان اهمیت دارد.» (ایسنا، ۱۷ بهمن) تفکرات ارتجاعی شجاعی محدود به عرصه ورزش زنان نیست و او همانند مرتجعان حاکم به متفاوت بودن زن و مرد معتقد است و می گوید: «هر چند تفاوت هایی در خلقت زن و مرد وجود دارد ولی این مسئله نباید باعث تبعیض در بهره گیری از امکانات شود و اهتمام خوبی باید، در برنامه ریزی کلان کشور با لحاظ این تفاوت شود.» (همانجا) کمندی ترین قسمت سخنان شجاعی مربوط به موانع اشتغال زنان می باشد. او در این مورد می گوید: «عدم آشنایی زنان با مسایل اقتصادی اعم از بانکداری و شیوه های کسب درآمد از جمله موانع توسعه اشتغال زنان می باشد.» شجاعی یکی از علل افزایش تعداد زنان مجرد با سن بالا در استان چهارمحال و بختیاری را عدم دسترسی به امکانات آموزشی دانست و گفت: «پسران دانش آموخته دیگر حاضر نمی شوند با دختران کم سواد روستاها ازدواج کنند لذا با معضلی مواجه شده ایم که برای رفع آن هزینه زیادی باید صرف شود در حالی که اگر تفاوت میان خلقت زن و مرد باعث تبعیض نمی شد و تنها در برنامه ریزی ها لحاظ می گشت عدالت اجرا می شد و هر کس بر اساس توان و نیاز خود و با توجه به جنسیتش از امکانات بهره می گرفت.» شجاعی طی این سفر و در مجموعه سخنرانی هایش گرچه در موارد بسیار زیادی سعی دارد به نقش زنان در روند تحولات جامعه صحه بگذارد اما بیانش او نسبت به زنان آمیخته به همان تفکرات ارتجاعی است که در طول بیست و دو سال گذشته بر میهنمان حاکم بوده است. تجربه دوم خرداد فرصت خوبی بود برای نیروهایی که حامل تفکرات پس مانده گذشته هستند. شجاعی که قاعدتا باید تکیه زدن بر این مستند را مدیون حماسه دوم خرداد باشد، بدون توجه به میزان و شعور و آگاهی زنان میهنمان، سعی در تظهير رژیم ولایت فقیه دارد. زنان آزاده میهنمان نشان داده اند که با بیرحمی تمام به مقابله با چنین تفکرات ارتجاعی برخاسته اند. اظهارات عنوان شده توسط شجاعی در مورد زنان بیش از آنکه نیازمند تفسیر باشد، تنگناهای موجود بر سر راه احقاق حقوق زنان را بیش از پیش نشان می دهد. بیست و دو سال مبارزه زنان بر ضد قوانین و سیاست های زن ستیزانه گرچه ثمرات قابل ملموس را برای زنان به همراه نداشته است اما در مقابل باعث نگرانی های جدی در بین حکومتیان گردیده است. این دل مشغولی از طرف مرتجعان حاکم که چگونه با این نیروی عظیم میلیونی باید مقابله کرد، به نوبه خود موفقیتی عظیم برای جنبش زنان میهنمان می باشد.

## انحصار های فرا ملی و صنعت نفت ایران ...

روز، ۳۲۰ هزار بشکه مایعات گازی و ۳/۲ تا ۴ میلیون تن گاز مایع در ساعت، برای مصارف داخلی و صادرات است.» نه در گزارش مطبوعات وابسته رژیم و نه در سخنان وزیر نفت، مطلقا اشاره‌ی بی به طرف این قراردادها نگردیده، و معلوم نیست که چرا رژیم ولایت فقیه از انتشار مشخصات طرف قرارداد خود واهمه دارد؟!

پیش از انعکاس عقد قراردادهایی به مبلغ ۷/۵ میلیارد دلار توسط جمهوری اسلامی، هفته نامه اقتصادی مید، چاپ لندن، در گزارشی، خبر داده بود که، ایران بزودی نام شرکت برنده‌ای را که عملیات حفاری اکتشافی بر ذخایر میدان دریایی پارس جنوبی را بر عهده خواهد داشت، اعلام خواهد کرد. در این گزارش از قول رئیس شرکت نفت و گاز پارس (شرکت خصوصی و ناآشنا) تاکید شده بود در این مناقصه واحد اروپایی شرکت «شلامبرگر» با شرکت ملی حفاری ایران رقابت می کند.

نکته بی ظریف اما پر اهمیت در این میان خود نمایی می کند، و آن عبارت است از اینکه، شرکت ملی حفاری ایران قادر به رقابت با دیگر شرکت های خارجی مشابه است، و این اعترافی آشکار به توانایی های فنی، تخصصی و پرسنلی این شرکت ملی ایرانی است. اگر دولت جمهوری اسلامی به لحاظ مالی این شرکت را مورد حمایت قرار دهد، شرکت ملی حفاری ایران قادر به رقابتی دوشادوش با شرکت های خارجی نه تنها در محدوده ایران، بلکه در منطقه است. بی جهت نیست، انحصارات فراملی، همانند «شل، توتال، شورون و بریتیش گاز»، در مذاکره با مقامات شرکت ملی نفت ایران، موکدا خواستار کنار زدن و حذف و خصوصی سازی شرکت ملی حفاری ایران شده اند. خواستی که سران رژیم ولایت فقیه با حقارت سر تسلیم به آن فرود آورده اند. ولی در مقابل کارکنان شریف و میهن دوست آن اعم از کارگر، کارمند، تکنسین و مهندس و مدیر، با آن به مخالفت برخاسته اند. در این زمینه، گزارش روزنامه کار و کارگر، به تاریخ اول آبان ماه سال جاری، پیرامون نقطه نظرات کارکنان شرکت ملی حفاری ایران، گویا و قابل توجه است: «تا پیش از انقلاب مهندسی و دانش فنی این صنعت استراتژیک در سیطره بیگانگان بود و برنامه تولید در بیرون مرزهای ایران تدوین و دیکته می شد. پس از انقلاب بیگانگان (انحصارات فراملی) اسناد و مدارک مهندسی را ربودند، دستگاه های حفاری را در سراسر ایران از کار انداختند و بسیاری از لوازم و تجهیزات حساس و پیشرفته را با خود خارج ساختند. اما به همت کارگران و متخصصان ایرانی، ابتدا برخی دستگاه های حفاری به کار انداخته شد و بعدا طی نشست کلیه کارکنان ایرانی از ۴۶ شرکت خارجی، تحت مدیریت واحد قرار گرفته و شرکت ملی حفاری ایران را راه اندازی کردند، این شرکت راه طولانی و پرتلاطمی را گذرانده و اکنون به لحاظ فنی و پرسنلی به اوج خود رسیده و آرزوی ۹۰ ساله ایرانیان که حفاری را در اختیار خود داشته باشند تحقق یافته است. شرکت ملی حفاری ایران، امروز به دلیل فعالیت خود، بیش از ۲ میلیارد دلار صرفه جویی ارزی برای کشور دارد، و با بیش از ۵۰ دستگاه حفاری و مترژی معادل ۳ میلیون حفاری و کسب دانش فنی و تجربه غنی، در تمام منطقه خاورمیانه نمونه و زبان زد است.»

و باید اضافه کنیم که، به دلیل همین نقش کلیدی است که امپریالیسم خواستار حذف و انحلال آن است. زیرا رقیبی توانا و مجرب محسوب می شود. مساله دخالت انحصارات امپریالیستی در امور مربوط به صنایع نفت و گاز ایران به همین جا خاتمه نمی یابد. در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۷۹، روزنامه اطلاعات بین المللی، در مطلبی تحت عنوان «شرکت های آمریکایی منتظر بازنگری تحریم های آمریکا علیه ایران هستند» به درج نقطه نظرات دیوید اوریلی، مسئول اجرایی شرکت آمریکایی «شورون» پرداخت. وی از جمله اظهار داشت: «نام شرکت شورون در فهرست مشارکت در پروژه های گاز ایران قرار گرفته است، من قصد اظهار نظر در باره چیزهای ویژه و خاص را ندارم، اگر در فهرست یک پروژه قرار گرفته ایم، از شنیدن آن ابراز خرسندی می کنم.»

وزیر نفت ایران نیز در مصاحبه با نشریه نفتی «پترولیوم آرگوس» در باره حضور شرکت های آمریکایی در طرح های ایران تاکید کرد: «علاوه بر شورون، همه شرکت های نفتی آمریکا علاقمند به شرکت در طرح های انرژی ایران هستند.»

یادآوری می کنیم این علاقمندی یکجانبه نیست. رژیم ولایت فقیه نیز به نوبه خود «مشتاقانه» در انتظار ورود شرکت های آمریکایی به ایران است و

برای آنها امتیازات «ویژه» و «خاص» در نظر گرفته است. این اشتیاق تا به آنجاست که، جمهوری اسلامی در انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا، رسما و با صراحت جانب نامزدهای حزب جمهوری خواه را گرفت و به تمجید از جرج دبلیو بوش و دیک چینی پرداخت. هر دوی این افراد از سهامداران اصلی شرکت های نفتی آمریکایی اند، همان شرکت هایی که به گفته وزیر نفت علاقمند به شرکت در طرح های ایران، و البته با امتیازات «ویژه» و «خاص» هستند. دیک چینی معاون جرج دبلیو بوش، چهره با نفوذ حزب جمهوری خواه آمریکاست و ریاست بزرگ ترین و قدرت مندترین شرکت خدماتی معادن نفتی جهان، یعنی شرکت هالیبرتون را بر عهده داشت، و از حامیان پروپاقرص برقراری روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی است. اصولا باید یادآور شد، شرایط سهل ایران، نوع قراردادها که همراه با امتیازات چشمگیر به خارجیان است، اشتباهی تمام فتنی های پر قدرت جهان را برانگیخته است.

در تابستان سال جاری، مطبوعات خارجی خبر دادند، شرکت نورسک هایدرو از کشور نروژ، قرارداد پر سودی را با مقامات جمهوری اسلامی به امضاء رسانده است. بر اساس این قرارداد، شرکت نروژی، امتیاز کامل عملیات اکتشافی در میدانی نفتی اناران را واقع در شمال استان ایلام به دست آورده است. ارزش این قرارداد در مرحله نخست، بیش از ۴۷ میلیون دلار برآورد شده است که نروژی ها در منطقه بی به وسعت ۳۲۰۰ کیلومتر مربع و به مدت حداقل ۵ سال بدون دخالت هیچ مقام ایرانی انجام خواهند داد!

از سوی دیگر، در اوایل شهریور ماه امسال، خبر نهایی شدن قراردادهایی به ارزش ۸ میلیارد دلار، برای توسعه میدان های نفتی و گازی ایران، توسط معاون وزیر نفت در امور بین المللی، انتشار یافت. جالب اینجاست که، تمام این قراردادها ابتدا با شرکت های خصوصی و نیمه خصوصی به ظاهر ایرانی منعقد می شود، و سپس، این شرکت ها با اخذ رشوه از انحصارات فراملی و با قیمتی پایین تر از حد متعارف، پروژه ها را به آنها واگذار می کنند. معاون امور بین الملل وزارت نفت برخی از این پروژه ها را چنین معرفی ساخت: «قرارداد توسعه میدان نفت و گاز سروش به ارزش ۱ میلیارد و ۴۴۲ میلیون دلار، قرارداد توسعه میدان نفتی سعادت آباد- سروستان به ارزش بیش از ۲۸۰ میلیون دلار، قرارداد میدان نفتی فروزان به ارزش ۵۵۰ میلیون دلار، قرارداد میدان نفتی چشمه خوش به ارزش ۵۱۳ میلیون دلار و قرارداد میدانی نفتی دهلران به ارزش بیش از ۲۶۰ میلیون دلار.» این قراردادها همگی با شرکت های به اصطلاح خصوصی ایرانی است که پس از مدتی به خارجیان سپرده می شود. انحصارات فراملی هنگامی که این پروژه ها را به چنگ می آورند، خواست ها و پیش شرط های خود را به طرف ایرانی تحمیل می کنند. مانند قرارداد ۱۴۵۰ میلیون دلاری ایران با شرکت بزرگ شل به منظور بازسازی میدان های نفتی سروش و نوروز واقع در آب های خلیج فارس. انگیزه اصلی شل در این قرارداد که به قرارداد مشارکت بلند مدت در محصول پروژه شهرت یافته است، دست یافتن به حق مالکیت برابر با دولت ایران است. یعنی میدانی نفتی استراتژیک ایران در خلیج فارس فقط تحت حاکمیت ملی و مالکیت ایران نیست، بلکه شرکت (هلندی- انگلیسی) و دیگر شرکت ها نیز مالک آن محسوب می شوند.

این نوع قراردادها، ناقض حق حاکمیت ملی ایران بوده و در مغایرت با قانون ملی شدن صنعت نفت قرارداد. در این میان، یکی از بدترین، زیان بارترین و ضد ملی ترین شکل این قراردادها، قرارداد ۱ میلیارد دلاری با شرکت انگلیسی بریتیش گاز است. این قرارداد، مخالف منافع ملی است و انگلستان را بر صنایع حساس گاز ایران حاکم می کند. این قرارداد بر اساس ماده ۳۴ برنامه سوم توسعه، منعقد شده است. بر پایه ماده مذکور، انجام عملیات مربوط به اکتشاف، استخراج و پالایش نفت و گاز توسط بخش خصوصی آزاد گردیده و مجاز شمرده می شود. به همین دلیل، یک شرکت نیمه خصوصی شناخته شده و فوق العاده بدنام جمهوری اسلامی به نام شرکت مهندسی و ساختمان صنعت نفت (OIEC) که در تیول خانواده رفسنجانی است، ابتدا پروژه تاسیسات صادراتی گاز مایع ایران را در مناقصه برنده شد، و سپس، با زرد و بندهایی که از قبل با شرکت های انگلیسی داشت، قراردادی را به شرکت بریتیش گاز انگلستان واگذار کرد. ظاهر این قرارداد، مشارکت ۵۰-۵۰ است. اما محتوای قرارداد کاملا یکجانبه و به سود انگلیسی هاست.

روزنامه اطلاعات بین المللی، به تاریخ ۶ مهر ماه ۷۹، خبر عقد این قرارداد را منتشر ساخت، و به نقل از واحد بین المللی بریتیش گاز، اعلام کرد: «قرارداد مربوط به صدور گاز طبیعی ایران است. با اجرای این طرح که نخستین مورد آن در ایران خواهد بود از سال ۲۰۰۶ میلادی به بعد سالانه شش تا هفت میلیون تن گاز طبیعی در ایران تولید و بریتیش گاز آن را صادر خواهد کرد.»

با اجرای این قرارداد، انحصار کامل، تاکید می کنیم انحصار کامل صدور گاز مایع ایران تا مدت نامعلومی در اختیار انگلستان خواهد بود.

یکی از فاجعه بارترین موارد این قرارداد، آن است که، بنا به مصلحت انگلیس و نظر آن، ایران حق سرمایه گذاری بزرگ و استراتژیک در تاسیسات میدان گاز طبیعی را

## جنبش جهانی بر ضد سیاست های «بازار آزاد»

برگزاری سه کنفرانس مهم بین المللی اقتصادی در دهه اول بهمن ماه در داووس (سوئیس)، پورتوالگره (برزیل) و هاوانا (کوبا) بحث های فراوانی را در میان صاحب نظران اقتصادی، و در صفحات روزنامه ها و رسانه های معتبر بین المللی، درباره آینده اقتصاد جهان دامن زد. در گردهمایی داووس، که طرفداران و اقتصاد دانان و ایدئولوگ های سرمایه داری، بسیاری از رهبران کشورهای جهان و نمایندگان کمپانی های فراملی در آن شرکت کرده بودند، مسئله جستجوی بهترین راه های تقویت ارکان سیستم کنونی جهان، که جهان سوم را بدون هیچ چشم انداز امید بخشی برای نجات از فقر و محرومیت تهدید می کند، مطرح بود. هزاران تظاهر کننده بر ضد «جهانی شدن»، از کشورهای مختلف، به داووس سفر کرده بودند که در ادامه حرکت سیاتل و پراگ عزم خود در زمینه مخالفت با نولیبرالیسم و سیستم اقتصادی مبتنی بر «بازار آزاد» اعلام کنند. دیوید بوئر، سخنگوی تظاهر کنندگان معترض در داووس گفت: «شرکت کنندگان در این اجلاس به اینجا آمده اند تا طرح آینده جهان را بریزند. ما مطمئنم بر ضد آینده بی هستیم که آنها برای ما در نظر دارند.»

همزمان با اجلاس اقتصادی جهان در داووس، در پورتوالگره در برزیل اجلاس اجتماعی جهان با شرکت بیش از ۱۰/۰۰۰ نفر، به نمایندگی از ۱۲۰ کشور جهان، برگزار گردید. اسناد نهایی این گردهمایی خواستار لغو بدهی های کشورهای جهان سوم، مالیات بستن به حرکت سرمایه، و ایجاد پیمان های تجاری جایگزین شد. در «سومین کنفرانس اقتصاددانان» در هاوانا، دانشمندان و صاحب نظران اقتصادی از ۵۰ کشور جهان، طی پنج روز، با مطالعه مشکلات اقتصادی زحمتکشان، در رابطه با ارائه جایگزین، در مقابل سرمایه داری نولیبرالی به بحث و تبادل نظر پرداختند. شرکت کنندگان در کنفرانس نیاز به اصلاحات و دموکراتیزه کردن موسسه های بین المللی، و به ویژه آنهایی که ماهیت اقتصادی و مالی دارند، را مورد تایید قرار دادند. یکی از صاحب نظران اقتصادی آمریکای لاتین اعلام کرد: «ما خود را به منظور پیروز شدن در این مسابقه بر ضد نولیبرالیسم متشکل می کنیم.» از جمله پیشنهادات کنفرانس هاوانا که بحث های آن با سخنرانی رفیق فیدل کاسترو، رهبر کوبای سوسیالیستی، پایان یافت: ایجاد باشگاه کشورهای بدهکار، بانک ارتقاء تولید در آمریکای لاتین، و برگزاری اجلاس های منطقه ای برای بحث و بررسی در رابطه با این مسایل بود.

آنچه از مباحث و پیشنهادهای مطرح شده در این سه اجلاس می توان نتیجه گرفت اینست که، مردم جهان درک کرده اند که سیاست های نولیبرالی مخربند، و یک جنبش رشد یابنده در میان سازمان ها و شخصیت های جهان با هدف تغییر این وضعیت در حال پا گرفتن است. این نیروها حضور خود را در هر سه کنفرانس اقتصادی، با کوشش برای جلب توجه به مشکلات بی شماری که به دلیل سیاست های بازار آزاد در همه کشورهای توسعه یافته، وجود آمده است، نشان دادند. در سال های اخیر سازمان هایی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی مجبور شده اند تصدیق کنند که فقر و مشکلات اقتصادی ناشی از سیاست های آن، که در اکثر کشورها وجود دارد، بطور قابل توجهی افزایش یافته است.

مردمی که خود عواقب سرمایه داری را با پوست و گوشت خود لمس کرده اند، هر روز در ابعاد گسترش یابنده بی به روند مبارزه برای ایجاد یک نظم نوین اقتصادی، که قادر به تضمین تقسیم عادلانه ثروت باشد، می پیوندند.

در ابتدای قرن جدید، بطور فزاینده بی روشن می شود که مدل بازار آزاد مبتنی بر نولیبرالیسم ضد پیشرفت و فقط به نفع غارتگران و استثمارگران است. نتایج کنفرانس های اقتصادی پورتوالگره و هاوانا صریحاً مشخص می کند که مردم جهان برای دست یابی به عدالت حاضرند به مبارزات سختی که در پیش رواست، بیوندند.

## ادامه انحصارهای فرا ملی و صنعت نفت ایران

نخواهد داشت. معاون رئیس بخش گاز مایع بریتیش گاز در اوایل تابستان یادآور شده بود، «توصیه ما به ایران این است که فقط بر روی تاسیسات کوچک سرمایه گذاری کرده و تمرکز کند.» بریتیش گاز علاوه بر در انحصار داشتن گاز مایع طبیعی ایران، تاسیسات مشابهی در ترینیداد و توباگو دارد و علت مخالفت آن با ایران در سرمایه گذاری بزرگ، حفظ نقش خود در بازار گاز مایع جهان است. شرکت های انگلیسی، ضمن غارت نفت و گاز ایران، در عین حال پوشش لازم را برای شرکت های آمریکایی فراهم می آورند. در تاریخ ۲۰ آبان ماه، مطبوعات ایران گزارش دادند که، شرکت انگلیسی لاسمو، که یکی از شرکت های بزرگ غربی طرف قرارداد با ایران است، سهام خود را به شرکت نفتی آمراداهس آمریکایی واگذار خواهد کرد. جیمز منزیس سخنگوی شرکت لاسمو در مصاحبه بی اختصاصی، با خبرنگاری جمهوری اسلامی، در لندن، در مورد تاثیر انتقال مالکیت لاسمو به آمراداهس آمریکایی در ارتباط این شرکت با ایران گفت: «شرکت آمراداهس بشدت مشتاق حفظ و گسترش مناسباتش با ایران است. این شرکت با حفظ نسبی بافت انگلیسی خود، از تحریم های آمریکا در امان خواهد بود.»

لازم به تذکر است، شرکت لاسمو انگلستان، در طرح های مختلفی از جمله در طرح دارخوین، آب تیمور و نیز طرح حیاتی و استراتژیک حوزه جنوبی دریای خزر، قراردادهایی با جمهوری اسلامی به امضاء رسانده است.

حضور انحصارهای فراملی در میهن ما، با توجه به امتیازات چشمگیری که جمهوری اسلامی بر خلاف منافع و مصالح کشور در اختیار آنها قرار می دهد، پیامدهای دهشتناکی در آینده به دنبال خواهد داشت.

تغض حاکمیت ملی و مالکیت ایران بر منابع نفت و گاز، مهم ترین آنهاست. در تمامی این قراردادهای طرف خارجی خواست های خود را به مقامات رژیم ولایت فقیه تحمیل و دیکته کرده است. کار به آنجا کشیده است که، حتی شرکت هایی نظیر توتال، الف و انی از فرانسه، بلژیک و ایتالیا که هر یک قراردادهای پر سودی را به زیان ایران به چنگ آورده اند، با فشار به رژیم، خواستار گشایش کامل بازار ایران شده اند، و تجدید نظر در قراردادهای بای بک را، بویژه در میزان و مدت برداشت امری ضرور در شرایط کنونی دانسته اند. مساله اصلی این شرکت ها نیز آن است که، مانند شل و بریتیش گاز، بخشی از مالکیت میداین غنی نفت و گاز ایران را تصاحب کنند. آیا با این وضع و با چنین قراردادهایی، امنیت و موقعیت میهن ما ایران در سده بیست و یک تهدید نمی شود؟

## ادامه مصاحبه «نامه مردم» با رفیق ...

زنان، از آن جا که زنان مورد ستم مضاعف رژیم قرار دارند، نقش مهمی را در مبارزه بر ضد رژیم ایفا می کند. همچنین اهمیت دارد که متذکر شوم که ساختار های پایه بی سندی های کارگری، رهبری ملی اتحادیه ها را به پاسخگویی مثبت به اقدام در رابطه با خواسته های آنان واداشته اند. اخیراً رهبری اتحادیه های کارگری کشور تهدید کرده اند که اگر خواسته های اعضای اتحادیه ها اجرا نشود، آنها فراخوان اعتصاب عمومی خواهند داد. خلاصه اینکه گرچه ساختارهایی اساسی قدرت هنوز در دست رژیم است، اما اوضاع تدریجاً عوض می شود. مبارزه طبقاتی، مبارزه برای خواسته های پایه بی و

دادید، آیا پیامی برای خوانندگان نامه مردم دارید؟

ج: من در سال جدید مسیحی برای خوانندگان نامه مردم و اعضای و فعالین حزب توده ایران، آرزوی شادکامی و موفقیت دارم. امیدوارم که در ترسیم تصویر فشرده ای از اوضاع سودان با هدف این که توجه خوانندگان را به شباهت های مبارزه و واحد بودن دشمن جلب کنم، موفق بوده باشم. من معتقدم که تبادل تجربه میان احزاب ما و تقویت همبستگی پیروزی سریع تر مبارزات ما پاری خواهد کرد. من امیدوارم که سال ۲۰۰۱ شاهد موفقیت مبارزات خلقهای ایران و سودان برای دموکراسی واقعی، حقوق

اساسی زحمتکشان، مبارزه برای یک سیستم آموزشی بهتر، مبارزه زنان در طلب حقوق خود دستاوردهایی داشته اند و دیوار های وحشت را می شکنند. هنوز راه طولانی ای در پیش روداریم. بهر صورت رژیم در نظر دارد که اوایل سال جدید مسیحی کنگره اتحادیه های کارگری را برگزار کند. نیروهای دموکراتیک (جبهه دموکراتیک ملی) تصمیم گرفته اند که در این بازار شرکت کنند. این یک آزمایش واقعی خواهد بود. انتظار می رود که نتایج آن به اقدامات اپوزیسیون در آینده جهت بدهد.

س: رفیق فتحی، با تشکر بسیار از اینکه این فرصت را برای روشننگری در مورد تحولات سودان به ما

## ادامه بدون طرد رژیم «ولایت فقیه» تغییرات بنیادین ...

اشاره می کند که در چارچوب اعمال «حکومت انتصابی»، نهادهای انتخابی همچون مجلس و نهاد ریاست جمهوری تنها یک سری نهاد فرمایشی و اجرایی صرف می شوند که بودن یا نبودن آنها تأثیری برای مردم نخواهد داشت.

حزب ما در جریان سومین کنگره خود در بهمن ۱۳۷۰، ضمن بررسی همه جانبه ساختار حاکمیت سیاسی در ایران یادآور شده بود که منظور ما از ساختار قرون وسطایی حاکمیت سیاسی این است که یک نفر به عنوان «ولی فقیه»، «نماینده خدا بر روی زمین» بر همه نهادها و ارکان های حکومتی کنترل کامل دارد و در چنین ساختاری نهادهای قانونی و خود قانون و قانون اساسی تنها ابزاری هستند برای اعمال استبداد و ادامه حاکمیت ارتجاع. این درک علمی و واقع بینانه حزب توده ایران امروز بیش از پیش در جامعه ما به تجربه پیوسته است و بازتاب آن را می توان در موضع گیری ها و جهت گیری جنبش اصلاحات در میهن ما به روشنی دید. امروز دیگر برای مردم ما روشن است که در ساختار کنونی حاکمیت سیاسی، نه مجلس منتخب مردم و نه دولت انتخابی در مقابل اختیارات نامحدود «ولی فقیه» قادر نیستند بیش از نقش مشورتی نقشی را اعمال کنند. نکته یی که آن را می توان حتی از سخنان دوپهلوی و محافظه کارانه شخص سید محمد خاتمی به روشنی استنباط کرد. سید محمد خاتمی نیز در سخنانی در مراسم گشایش همایش «امنیت عمومی و وحدت ملی» ضمن اعتراف به اینکه دولت نتوانسته است برنامه های خود را اجرا کند اشاره کرد که: «آیا می شود در جامعه ای که در اثر انقلاب اسلامی، متحول شده و قانون اساسی بر آن حاکم است، کسانی به نام دین یا با هر نام دیگری به صراحت دعوت به شورش و ترور کنند، مورد تشویق هم قرار بگیرند و مصونیت قضایی و امنیتی و اجتماعی داشته باشند. چنین وضعی امنیت نیست بلکه قیام علیه حکومت قانونی است و باید بدون تبعیض با آنها برخورد کرد. نباید با یک طرف با سختی، خشونت و اعمال روش های غیر منطقی برخورد شود اما طرف دیگر، هر کاری کرد، هر چه گفت، هر نسبتی داد و از هر چه خرج کرد، نه تنها احساس مصونیت بکنند به نحوی احساس تشویق هم بکنند و یک حریم امنیتی خاص برای خود ایجاد بکنند...» (ایرنا، ۲۴ بهمن ۱۳۷۹). البته آقای خاتمی، به عنوان رئیس قوه مجریه مردم روشن نکرد که بالاخره ریشه و زمینه های چنین وضعیتی چیست. و چگونه است که مشی تاریک اندیش، مزدور و خشونت طلب می توانند پس از این همه جنایت همچنان از مصونیت قضایی، اجتماعی و امنیتی برخوردار باشند. واقعیت این است که این مسایل برای مردم ما روشن تر از آن است که بتوان آنها را پرده پوشی کرد. امروز تنها مزدوران ارتجاع و استبداد، و انصار «ولی فقیه» اند که مصونیت امنیتی و قضایی دارند و برای بقیه مردم میهن ما ایران کشور بکلی نا امنی است که هر دم که مرتجعان اراده کنند، می توانند با پرونده سازی انسانها را به اسارت درآورده، شکنجه کنند و به شکل رسمی و یا غیررسمی نابود کنند. آقای خاتمی از حاکمیت قانون و قانون اساسی سخن می گوید، وقت آن رسیده است که به مردم گفته شود که قانون اساسی در شکل کنونی آن سندی است که از سوی مرتجعان برای به بند کشیدن مردم ما مورد استفاده قرار می گیرد. بعد از گذشت بیش از بیست و دو سال از انقلاب بهمن تجربه ملموس و دردناک مردم میهن ما و انقلاب بهمن نشان می دهد که قانون اساسی با وجود اصل «ولایت فقیه» در آن چیزی جز استبداد فردی به صورت «قانونی» نیست. حزب ما اکنون مدتهاست که مرتباً بر این نکته حساس و مهم پافشاری می کند که تنها با بسیج وسیع توده ای در میان نیروهای اجتماعی که موتور محرک و اساسی اصلاحات در میهن ما هستند، می توان روند اصلاحات را به جلو برد. بی شک ماه های آینده، ماه های سرنوشت ساز و حساسی در تاریخ میهن ماست که می تواند با درایت، هوشیاری و سازماندهی وسیع ترین نیروهای اجتماعی مدافع آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی ترغیب های شوم و خطرناک ارتجاع را با شکست روبه رو کند و روند اصلاحات در میهن ما را به جلو براند. همان طوری که حزب ما انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ را رفراندوم مردم بر ضد «ولایت فقیه» تحلیل کرد، انتخابات خرداد ۱۳۸۰، نیز همه پرسای است در مقابل مردم برای انتخاب بین استبداد قرون وسطایی و امکان حرکت برای ادامه وسط اصلاحات. این سؤال که آیا می توان این امر را از یک خواست توده ای به یک خواست لازم الاجرا تبدیل کرد تنها با بسیج توده ای و اتکاء به نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، با سازماندهی دقیق و برنامه روشن پاسخ مثبت می یابد. در این راه باید همه امکانات را بسیج کرد.

## ادامه مصاحبه «نامه مردم» با نماینده رهبری حزب کمونیست سودان

ج: مضمناً هیچ تغییر سیاسی در سودان به وقوع نه پیوسته است. «جبهه اسلامی ملی» به حکومت دیکتاتوری خود ادامه می دهد، همه قدرت های قانون گذاری، اجرایی و قضایی در کنترل آن است. رژیم مطبوعات، نیروهای مسلح، پلیس و نیروهای امنیتی را تحت کنترل دارد. میلیشای مسلح رژیم در همه جا حاضر است.

با در نظر گرفتن این وضعیت، باید اذعان کنیم که به دلیل شکست سیاست های رژیم در همه عرصه ها و انشقاق در صفوف آن، همراه و همزمان با مبارزه تحسین آمیز مردم ما، رژیم مجبور به عقب نشینی و بنابراین ایجاد فضایی برای اپوزیسیون گردیده است. ولی اجازه بدهید اعلام کنم که تمامی سلاح های رژیم، از جمله قوانین، قانون اساسی و سرکوب یکپارچه به جای خود باقی مانده اند.

س: ما تا حدود یک سال قبل اخبار متعددی در رابطه با نقض حقوق بشر در سودان، و مواضع سرکوبگرانه رژیم حاکم دریافت می داشتیم. سودان در میان بدترین نقض کنندگان حقوق دموکراتیک و انسانی قرار داشت. ما نمی توانیم تغییری در ظاهر رژیم مشاهده کنیم. به نظر شما عامل های اصلی موثر در اتخاذ مواضع جدید از سوی رژیم چیست؟

ج: رهبری «جبهه اسلامی ملی» علناً تأیید کرده است که در اجرای برنامه های خود شکست خورده است، که به تنهایی قادر به اداره سودان نیست، و از این رو آماده گفت و گو با اپوزیسیون است. علاوه بر مشکلات درونی در صفوف آن و ضرباتی که مبارزه متنوع و چند گونه مردم ما بر آن وارد کرده است، انزوای بین المللی نیز در این مسئله نقش داشته است. فشاری که از طریق اتحادیه اروپا، سازمان ملل و سازمان وحدت آفریقا به رژیم وارد آمده است، آن را به برخی عقب نشینی ها، گشایش در جو اختناق و راه دادن به فضای محدود و کاملاً محاسبه شده ای برای اپوزیسیون مجبور کرده است. این سیاست جدید همچنین هدف گنج و گمراه کردن اپوزیسیون و بویژه «ائتلاف دموکراتیک ملی» را نیز دنبال می کرد و من فکر می کنم که رژیم موفق شد که حزب «امت» را از «ائتلاف دموکراتیک ملی» خارج کند.

س: عکس العمل حزب کمونیست سودان در قبال وضعیت جدید چیست؟ چه تضمین هایی وجود دارد که در صورتی که این «گشایش ها» واقعی و دیر پا نباشند، حزب در دام آن گرفتار نشود؟

ج: موضع حزب ما در قبال این وضعیت کاملاً روشن است. ما می دانیم که تغییراتی که به رژیم «جبهه اسلامی ملی» تحمیل شده است، محدودند، و موضع رژیم در رابطه با دموکراسی و راه حل صلح آمیز برای رفع بحران کشور از روی اعتقاد نیست. ما همچنین واقفیم که در خلا ایجاد شده جنبش توده ای مخصوصاً اتحادیه های کارگری و جنبش زنان حملاتی را به رژیم آغاز کرده اند و برخی امتیازات را بدست آورده اند. این تهاجم محدود گرچه کوچک است، اما نیاز به گسترش و هماهنگ کردن دارد که به سطح مبارزه متحد همه قشرهای جامعه ارتقا یابد. در این رابطه است که حزب ما، با درک همه جانبه خطرات و همچنین امکانات موجود برای ایجاد تغییر، به این صحنه مبارزه می پیوندد.

س: رژیم سودان از بسیاری جهات از سیاست ها و حرکات جمهوری اسلامی ایران تقلید می کند. آیا شما هیچ گونه شباهتی میان اوضاع کنونی این دو کشور می بینید؟ برخی مطرح می کنند که، آنچه در حال وقوع هست، یک تحول هماهنگ و سازمان یافته در تمامی کشورهای اسلامی است که هدف آن بزرگ کردن ماهیت سرکوبگرانه و ضد مردمی این رژیم هاست. نظر شما چیست؟

ج: من توضیح در این باره را با طرح این واقعیت مسلم آغاز می کنم که رژیم اسلامی ایران نقش عمده یی در تقویت رژیم «جبهه اسلامی ملی» در اولین سالهای حاکمیت آن بازی کرده است. سپاه پاسداران ایران در جنگ داخلی سودان شرکت کرد. آنها نیروهای امنیتی را آموزش دادند. ایده صدور انقلاب به دیگر کشورها، مداخله در امور داخلی کشورهای همسایه، و دادن شعارهای «ضد آمریکایی» در حالی که دستور العمل های صندوق بین المللی پول را به مورد اجرا می گذاردند، همه از نمونه ایرانی کپی شدند. من فکر می کنم که رژیم های دو کشور مکانیزم هایی را برای هماهنگ کردن اقدامات خود دارند. من در عین حال فکر می کنم که، رهبران قدیمی این رژیم ها دارند کم کم جای خود را به نسل جدیدی از رهبران می دهند که بفرنج تر و زیرک ترند اما، هنوز هم سیاست های آن ها سرکوبگرانه است.

س: وضعیت ساختارهای دموکراتیک نظیر اتحادیه های کارگری، جنبش جوانان و زنان در کشور چگونه است. آیا امکان تغییر وجود دارد؟

ج: همانطور که قبلاً اشاره کردیم، فعالیت ساختارهای توده ای و بویژه اتحادیه های کارگری، دانشجویان و زنان شدیداً افزایش یافته است. کافی است ذکر کنیم که، در ماه های اخیر ۲۰ اعتصاب مختلف توسط معلمان، کارکنان بخش درمان، کارگران راه آهن، کارمندان شهرداری ها، کارگران کشاورزی و کارمندان بانکها رخ داده است. این حرکت ها همراه با تظاهرات دانشجویی تقریباً در همه قسمت های کشور، و جنبش

## رئیس جمهوری انتصابی در کاخ سفید

در روز ۲ بهمن ماه، جرج بوش، رئیس جدید کاخ سفید، به عنوان چهل و سومین رئیس جمهوری آمریکا، جانشین کلینتون شد. جرج بوش، که پس از کشمکش‌های انتخاباتی، از سوی دادگاه عالی این کشور به عنوان رئیس جمهوری منصوب شده است، در هنگام ادای سوگند با اعتراض وسیع ده‌ها هزار نفری مردم روبه‌رو شد. مردمی که به شیوه انتخاب و سیاست‌های وی اعتراض داشتند. این تظاهرات که پس از افتضاح سیاسی «نیکسون» در رابطه با «واترگیت» در سال ۱۹۷۳، بزرگترین تظاهرات اعتراضی بود، با خشونت پلیس رو به رو شد که در جریان آن بسیاری زخمی و تعداد دیگری نیز دستگیر شدند.

جرج بوش، در اولین اقدام خود پس از ورود به کاخ سفید، طرح‌های بیل کلینتون برای بهبود شرایط بیمه‌های اجتماعی، قوانین مربوط به محیط زیست و امور بازرگانی را که فاصله زیادی با استانداردهای بین‌المللی داشت، لغو کرد. همزمان نیز، هواپیماهای آمریکایی، حملات جدیدی را بر ضد عراق صورت دادند که بر اثر آن ۶ نفر غیر نظامی کشته شدند. بنا به اظهار خبیر گزارشی سی-ان-ان، دولت جرج بوش فشارهای نظامی و سیاسی خود را بر ضد عراق افزایش خواهد داد. آمریکا معتقد است که بسیاری از کارخانه‌هایی که تصور می‌شد در آنها سلاح شیمیایی یا میکروبی ساخته می‌شوند و توسط هواپیماهای آمریکایی منهدم شده بودند دوباره بازسازی شده‌اند و به ساخت تسلیحات میکروبی و شیمیایی پرداخته‌اند.

از فردای زوی کار آمدن دولت بوش، ناوهای جنگی این کشور به سوی خاورمیانه راهی شدند و این حرکت نمی‌تواند بی‌ارتباط با بحران منطقه، و بویژه اختلاف بین اسرائیل و فلسطین باشد. حرکتی که تهدیدی جدی بر ضد فلسطین است و در جهت پشتیبانی از اسرائیل صورت می‌گیرد. جرج بوش، که در جریان مبارزات انتخاباتی خود از سوی راست‌ترین جناح صاحبان سرمایه و شرکت‌های اسلحه‌سازی مورد پشتیبانی قرار گرفته بود، پس از انتصاب خود، کابینه‌ی باب طبع شرکت‌های اسلحه‌سازی و بزرگ سرمایه‌داران معرفی کرد. از جمله اعضای کابینه او و دیگر نزدیکانش معاون وی «دیک چنی»، یکی از فرماندهان ارتش ایالات متحده است که در زمان ریاست جمهوری جرج بوش، پدر رئیس جمهوری فعلی، وزیر دفاع آمریکا بود.

وزیر امور خارجه، یکی دیگر از فرماندهان ارتش آمریکا، کولین پاول، است و رئیس خزانه دولتی، پائول اونیل است، کسی که مخالف سرسخت طرح بهترسازی بهداشت و درمان، در آمریکا است. رئیس امور بازرگانی وی نیز دونالد اوانس است که خود یکی از اعضای هیئت رئیسه شرکت‌های نفتی و یکی از مخالفان طرح‌هایی است که برای حفظ محیط زیست مفید است. همچنین بنا به اظهارات بوش، طرح سیستم دفاع ضد موشکی، که در زمان کلینتون به تعویق افتاده بود، از سر گرفته خواهد شد و بودجه بیشتری نیز به آن اختصاص داده خواهد شد. اتخاذ چنین سیاستی خطر جدیدی برای صلح در جهان خواهد بود.

## بازگشایی مجدد آموزشگاه نظامی آمریکا

هفته گذشته، آموزشگاه نظامی مشهور ایالات متحده آمریکا موسوم به «آموزشگاه نظامی آمریکا» که تحت نامی جدید و با سیستم مدرن‌تری بازگشایی شد. این آموزشگاه، عهده‌دار آموزش نظامی و سیاسی دیکتاتورها و جنایت‌کاران بوده

## □ نگاهی به رویدادهای جهان

## □ در هفته‌ای که گذشت

است. این آموزشگاه در ماه دسامبر گذشته بر اثر اعتراض‌ها و انتقادهای وسیع و به ویژه پیرامون نقش اساسی که «تربیت شدگان» این «آموزشگاه» در زیر پا گذاشتن حقوق بشر در آمریکای لاتین ایفا کرده بودند، بسته شد. این آموزشگاه که دیکتاتور سابق پاناما «مانوئل نوریگا» و رهبر «جوخه مرگ» السالوادور، «روبرتو دی آتوباسون»، از دانشجویان آن بوده‌اند، قرار است تا در دوره جدید خود، سربازان و غیر نظامیان ۲۲ کشور آمریکای لاتین و ایالات متحده را آموزش دهد. «رودی دی لئون»، رئیس آموزشگاه، ادعا کرد که این آموزشگاه می‌خواهد ارزش «دموکراسی» را به دانشجویان خود آموزش دهد و اینکه دوره‌های مختلف آن قابلیت‌های رهبری را در آنان پرورش خواهد داد و همه دانشجویان در طی تحصیل خود در مورد حقوق بشر آگاهی خواهند یافت.

## انفجار بمب در گردهمایی کمونیست‌های بنگلادش

در اثر انفجار بمبی، که نیروهای مرتجع، در نزدیکی محل گردهمایی اعتراضی حزب کمونیست بنگلادش کار گذاشته بودند، ۷ نفر به قتل رسیدند و صدها تن زینز زخمی شدند. این جنایت کم سابقه در جریان گردهمایی عظیم طرفداران حزب کمونیست بنگلادش و احزاب متحد آن، در روز اول بهمن ماه، در داکا، و درست ۱۵ دقیقه قبل از پایان گردهمایی و شروع تظاهرات در خیابانهای پایتخت رخ داد. سازمان‌های توده‌ای و رهبران دهقانان، اتحادیه‌های کارگری، کارگران کشاورزی، دانشجویان، جوانان، زنان و ساختارهای فرهنگی از ابتکار حزب کمونیست بنگلادش در سازمان دهی این گردهمایی اعتراضی برای اقدام موثر بر ضد مافیای تروریست، بازار سیاه و فساد، توقف فروش صنایع نفت، گاز، برق و تسهیلات بندری به شرکت‌های فرامی و دیگر خواست‌های اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان حمایت کرده‌اند.

حزب کمونیست بنگلادش با تشدید مبارزه بر ضد سیاست‌های ورشکسته احزاب بورژوازی در صدد ایجاد یک جایگزین چپ دموکراتیک وسیع برای خارج کردن کشور از بحران کنونی است. دولت بنگلادش یک کمیته تحقیق برای بررسی این جنایت هولناک و شناسایی مقصران آن تشکیل داده است. رهبران حزب کمونیست بنگلادش بر ضد ایجاد بازار شایعه در مورد مسیبان این جنایت، به منظور نجات دست‌اندرکاران واقعی این جنایات، اخطار داده‌اند. نخست‌وزیر بنگلادش، شیخ حسین، رهبر نیروهای اپوزیسیون در پارلمان، خالد صبا، جبهه دموکراتیک چپ و اتحاد احزاب یازده گانه و اکثر احزاب سیاسی، ساختارهای توده‌ای با صراحت این کشتار را محکوم کرده‌اند.

## پیروزی جنایتکار جنگی

همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، در انتخابات بیش از موعد اسرائیل، در روز ۱۸ بهمن ماه، آریل شارون رهبر افراطی ترین جناح حزب صهیونیستی لیکود، با کسب اکثریت آراء، ایهود باراک، رهبر حزب کارگر را شکست داد و پست نخست‌وزیری این کشور را به دست گرفت. آریل شارون، به دلیل دست داشتن در قتل عام صد هاون، کودک و افراد مسن بی دفاع در اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی «صبرا» و «شیتلا» در حومه بیروت، در سال ۱۹۸۲ متهم به ارتکاب جنایات جنگی است. پشت کردن رای دهندگان اسرائیلی به ایهود باراک و حزب کارگر در واقع ثمره تلخ سیاست‌های متناقض و ناپیگیر ایهود باراک و شکست او در پیش بردن صلح با فلسطینی‌ها بود. شکست سخت ایهود باراک کمتر از دو سال پس از پیروزی قاطع او بر ضد نتانیاهو، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، که بر پایه شعار پیشبرد سیاست صلح از طریق مذاکره با فلسطینی‌ها ممکن گردیده بود، عملاً ضربه‌ی جدی بر روند

صلح از طریق مذاکره خواهد بود. مواضع ایهود باراک در ادامه سیاست ارتجاعی صهیونیستی ساختمان شهرهای یهودی نشین و امتناع او از قبول بازگشت پناهندگان فلسطینی به خانه‌های خود عملاً او را از حمایت نیروهای فلسطینی و عرب ساکن اسرائیل محروم کرد. اعراب ۱۸ درصد جمعیت اسرائیل و ۱۲/۳ درصد صاحبان رای در این کشور را تشکیل می‌دهند و بطور سنتی در انتخابات‌های سابق از حزب کارگر حمایت می‌کردند. رهبران اعراب ساکن اسرائیل واز جمله «هاداش» جبهه صلح و برابری، که حزب کمونیست اسرائیل در آن شرکت فعال دارد، از هموطنان خود خواسته بودند که انتخابات را تحریم کنند و یا در اعتراض به کشتار نزدیک به ۵۰۰ تن از فلسطینی‌ها در جریان «انتفاضه» آراء سفید در صندوق‌های رای بریزند. مروان برقوتی از رهبران محلی الفتح و از سازمان دهندگان قیام «انتفاضه»، گفت: «ما با تقویت انتفاضه با شارون رویارویی خواهیم کرد. من فکر نمی‌کنم که هیچگونه شانس برای مذاکره با شارون تحت هر شرایطی وجود داشته باشد و ما از همسایگان عرب می‌خواهیم که از شارون دعوت نکنند و با شارون میانجی‌گری نکنند.»

سازمان الفتح، در بیانیه‌ی بی در رابطه با انتخاب شارون اعلام کرد: «انتفاضه و مقاومت، انتخاب استراتژیک ما برای خلاص شدن از اشغال و کسب آزادی، بازگشت، استقلال ملی و حاکمیت است. ما برای رویارویی با شارون قصاب خواهان تشدید انتفاضه و مقاومت هستیم.» آریل شارون می‌باید در طول ۴۵ روز دولت آینده را تشکیل دهد. با توجه به اینکه حزب لیکود فقط ۱۹ کرسی از ۱۲۰ کرسی «کنست» را تحت کنترل دارد، و اینکه نیروهای متمایل به چپ در «کنست» قادر به همراهی با برنامه‌های مخرب و افراطی شارون در رابطه با روند صلح و توسعه مناطق مسکونی یهودی نشین نیستند، از هم اکنون می‌توان پیش‌بینی کرد که دولت جدید نیز ثباتی بیش از سلف خود نداشته باشد.

## کوبا

فیدل کاسترو، رهبر کوبا، در سخنرانی بی که پس از روی کار آمدن جرج بوش، ایراد کرد، از جمله گفت، امیدوار است رئیس جدید کاخ سفید به آن بلاهتی نباشد که نشان می‌دهد. کاسترو در زمان انتخابات نیز اظهار کرده بود که، هر دو کاندیدای ریاست جمهوری، دو نفر از «کسل‌کننده ترین و خسته‌کننده ترین» رقبا تصدی پست ریاست جمهوری در تاریخ آمریکا هستند. وی در سخنرانی خود اضافه کرد که، از بقای این امپراطوری مدت زیادی باقی نمانده است. از زمان انقلاب کوبا، جرج بوش دهمین رئیس جمهوری ایالات متحده است که بر مسند کار می‌نشیند، و تمامی آنها نیز قبول داده‌اند تا در دوران زمامداری خود کوبا را نابود کنند. جرج بوش نیز در سخنرانی‌های خود ضمن تهدید کوبا اعلام کرده بود که، تمامی شیوه‌های لازم را به کار خواهد گرفت تا بتواند دولت کوبا را ساقط کند. انتظار می‌رود که با روی کار آمدن دولت بوش، فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی بر ضد کوبا نیز افزایش یابد.

مصاحبه «نامه مردم» با رفیق فتحی الفضل، رهبر جنبش سندیکایی سودان، و نماینده رهبری حزب کمونیست سودان

## حزب کمونیست سودان: «روند اصلاحات» در سودان، و جنبش دموکراتیک توده ها



ببین المللی بوده است، در صحنه داخلی، اکثر نیروهای مخالف و ترقی خواه، با تشخیص عیار واقعی اصلاحات حکومتی، مبارزه خود را تحت شرایط جدید و با بهره گیری از امکانات موجود و ایجاد شده، تشدید کرده اند. جبهه متحد اپوزیسیون «ائتلاف دموکراتیک ملی» که حزب کمونیست سودان در آن عضویت دارد، ضمن انتقال بخشی از ساختارهای خود به داخل کشور، مبارزه برای سرنگون کردن رژیم کودتایی را ادامه می دهد. بخش مهمی از رهبری اتحادیه های کارگری نیز در تدارک انتقال به داخل کشور است. دستگیری ۷ تن از رهبران کمیته داخلی «ائتلاف دموکراتیک ملی» در اواسط آذر ماه، در جریان حمله نیروهای امنیتی رژیم، نمایشگر نتایج خطرناک امید بستن به دموکراتیزه شدن واقعی رژیم کودتایی است. دولت در توجیه این دستگیری ها مدعی شد که، موضوع جلسه، بحث در مورد تدارک برای سرنگونی رژیم بوده است. رهبران «ائتلاف دموکراتیک ملی» در مقابل اعلام کردند که این موضوع عجیبی نیست، چرا که سیاست اعلام شده آن، سرنگونی رژیم به هر طریقی است، مگر این که راه حل سیاسی از طریق مذاکره به نتیجه برسد.

دولت عمر بشیر، امید خود را به تضعیف جبهه اپوزیسیون از طریق تجزیه آن و جلب حمایت برخی نیروهای مخالف بسته است. جداسازی حزب «امت» تحت رهبری صادق المهدی از «ائتلاف دموکراتیک ملی» و خارج شدن شاخه نظامی «امت» از نیروهای مردمی که متعاقب آن نیروهای نظامی دولت پیروزی های مهمی را در شرق سودان حاصل کردند و بازگشت بر سر و صدای صادق المهدی به خارطوم در آبان ماه را نمی توان با سیاست مکارانه دولت عمر بشیر به ارتباط دانست.

هفت تحریریه «نامه مردم» با توجه به جوانب متفاوت، روند «اصلاحات» در سودان را به دلیل ارتباط تنگاتنگ تحولات سیاسی ایران با این کشور در سال های اخیر را با اهمیت قلمداد می کند. در این ارتباط در جریان ملاقات اخیر که بین رهبری حزب کمونیست سودان و حزب توده ایران برگزار شد، رفیق فتحی، رهبر برجسته جنبش سندیکایی سودان که از فعالان بنام فدراسیون جهانی اتحادیه کارگری است، به نمایندگی از سوی حزب برادر، به برخی سئوال های مطروحه «نامه مردم» پاسخ داد.

س: رفیق فتحی، اخیراً گزارش های متعددی در رابطه با تغییرات سیاسی در سودان منتشر شده است. آیا این تغییرات واقعی و پایدارند؟ این تغییرات تا چه حد عمیق هستند؟

ادامه در صفحه ۶

سفر رسمی عبدالعزیز بوتفلیقه، رئیس جمهوری الجزایر به سودان، در ماه گذشته، و به دنبال آن بازدیدهای رسمی اسماعیل چم، وزیر خارجه ترکیه، و عمرو موسی، وزیر خارجه مصر، از سودان، کشوری که تا مدتی قبل روند اسلامی کردن حیات اجتماعی-فرهنگی سیاسی در آن، به تقلید از جمهوری اسلامی ایران، جریان داشت با توجه به مواضع صریحاً خصمانه الجزایر، ترکیه و مصر نسبت به این حرکات، نظر تحلیل گران جهان را به سوی این کشور بزرگ و مهم آفریقایی معطوف کرد.

رژیم سودان، در سال های اخیر، با بحرانی که هم جنبه های داخلی و هم مشخصه بین المللی دارد رو به رو بوده است. سودان رسماً در جمع کشورهای حامی تروریسم از سوی غرب مورد فشار قرار داشته است. سیستم حکومتی کشور که به نوعی از نمونه جمهوری اسلامی آن در ایران الگو برداری شده بود، بر پایه حکومت نخبگان اسلامی و تحت رهبری «فقیه» گونه حسن ترابی مغز متفکر و شخصیت اصلی رژیم کودتایی، به سرکوب خشن هر گونه جنبش مخالفی شهرت داشته است. جنگ داخلی بر ضد نیروهای ارتش آزادی بخش جنوب سودان پس از سالها خونریزی هنوز ادامه دارد.

انشعاب حسن ترابی و طرفدارانش از کنگره ملی، حزب حاکم، و تشکیل کنگره ملی خلقی به رهبری حسن ترابی، در سال گذشته، نمایشگر اوج گیری اختلافات در صفوف رژیم است. حمله ماموران امنیتی به جلسه رهبران کنگره، در اواسط دی ماه، و دستگیری همه شرکت کنندگان در جلسه، به استثنای شخص حسن ترابی، بررغم برخی تفاوت ها، نمایشگر شباهت های جدی با برخوردهای جناحین رقیب حاکم در جمهوری اسلامی دارد. البته در سودان دولت دست بالا را دارد. اکثر احزاب عمده اپوزیسیون و هم چنین «کنگره ملی خلقی» انتخابات آذر ماه در سودان را که - در جریان آن بشیر با ۸۶/۵ درصد آرا به ریاست جمهوری انتخاب گردید و ۹۷ درصد کرسی های پارلمان تحت کنترل حزب حاکم قرار گرفت - تحریم کرده بودند. رقیب عمر بشیر در این انتخابات، جعفر نمیری، رئیس جمهوری و دیکتاتور سابق سودان بود که ۱۰ درصد آرا را به دست آورد. حسن ترابی تهدید کرده است که، توانایی به زیر کشیدن دولت بشیر را دارد. او مدعی شد: «ما در سازمان دهی انقلاب ها تبحر بسیار داریم».

در چنین شرایطی، و به دنبال اوج گیری جنبش اصلاح طلبی در ایران، در سال های اخیر، در سودان نیز برخی اصلاحات کم عمق تحت کنترل دولت صورت گرفته است. دولت عمر بشیر، رئیس جمهوری سودان، مدعی است که درصدد اجرای اصلاحات سیاسی-اجتماعی در این کشور است و در این راه به برخی تغییرات در رابطه با احزاب سیاسی و مطبوعات اشاره می کند.

مواضع جدید دولت سودان مورد استقبال غرب و کشورهای سرمایه داری قرار داشته است. در آبان ماه اجلاس سالانه سازمان بین المللی برای توسعه (IGAD) برای اولین بار در خارطوم، پایتخت سودان برگزار شد. عمر بشیر اکنون صدارت (IGAD) که دارای ۲۰ عضو از جمله اکثر کشورهای عمده اتحادیه اروپا، ایالات متحده، کانادا، ژاپن و همچنین تعدادی از آژانس های عمده سازمان ملل است، به عهده دارد. در مهر ماه، سازمان وحدت آفریقا، سودان را برای عضویت در شورای امنیت سازمان ملل کاندید کرد. تنها مخالف جدی انتخاب سودان ایالات متحده بود که هنوز هم به لغو تحریم این کشور به اتهام دست داشتن در طرح سوء قصد به جان حسنی مبارک، در ژوئن ۱۹۹۵، در آدیس آبابا، رضایت نداده است ولی نشانه هایی جدی مبنی بر تغییر برخورد ایالات متحده مشهود است.

گرچه مواضع جدید دولت کودتایی سودان متضمن موفقیت هایی برای آن در عرصه

### کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق شهید معلم از فرانکفورت  
 ۴۰۰ مارک  
 آرش کوچک  
 ۵۰ مارک  
 آهنگر از نورز  
 ۱۰۰۰ کرون  
 به مناسبت ۶۰-مین سالگرد حزب، هواداران از اسن  
 ۲۰۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
 3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:602  
 Central Organ of the Tudeh Party of Iran

13 February 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
 IRAN e. V.  
 شماره حساب  
 790020580  
 کد بانک  
 10050000  
 بانک  
 Berliner Sparkasse



# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۰۲، دوره هشتم

سال هفدهم، ۲ اسفند ماه ۱۳۷۹

## نگاهی به رویدادهای ایران

### در هفته ای که گذشت

#### تبعیت از «قانون»، بن بست جناح حکومتی طرفدار اصلاحات

به دنبال کشمکش بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان بر سر بودجه سال آینده کشور و ارجاع آن به «مجمع تشخیص مصلحت نظام» و جانبداری این مجمع به نفع شورای نگهبان، بحث های متفاوتی در این مورد صورت گرفت. در همین زمینه بهزاد نبوی نایب رئیس مجلس طی سخنانی در مجلس گفت: «اگر مجلس ما نتواند به درستی بودجه کشور را متناسب با سیاست هایی که اکثریت نمایندگان تشخیص می دهند، تدوین کند، چگونه می تواند مسئولیت قانون گذاری و اداره جامعه را از این جهت بپذیرد.» وی افزود: «نباید بدعت هایی گذاشت که خدای ناکرده جایگاه قانونی مجلس تضعیف

شود.» وی خاطر نشان کرد: «حاکمیت ملی و اختیارات قانونی نهادها را به دلیل اینکه در یک برهه ای از ترکیب آنها خوشمان نمی آید، به هم نزنیم.» نبوی افزود: «باید مراقب باشیم تا نهادهای قانونی تضعیف نگردد.» (دوران امروز، چهارشنبه ۲۶ بهمن) در همین رابطه روزنامه «جمهوری اسلامی»، ۲۵ بهمن، در سرمقاله خود با اشاره به این مسئله می نویسد: «بی اعتنائی به قانون، مشکل بزرگ کشور است. همه در آستانه انتخابات و در عرصه سخن، شعار قانون گرایی می دهند ولی وقتی به مرحله عمل می رسند آنچه معیار و محور تصمیم گیری های بسیاری از آنان است، جلب منافع شخصی یا گروهی است. اگر اختلاف طبقاتی هر روز بیشتر می شود، نتیجه بی قانونی هایی است که در عرصه اقتصادی صورت می گیرد، اگر تجاوز به حقوق این و آن می شود، به علت ترس متجاوزان از تعقیب قانونی است و اگر مبارزات سیاسی عرصه جامعه را ملامال از بوی عفونت کرده است، به این دلیل است که بسیاری از فعالان سیاسی به حق قانونی خود قانع نیستند و در گرداب جنگ قدرت دست و پا می زنند.» مقاله در ادامه با اشاره به مخالفت مسئولان اجرایی، فعالان سیاسی و نمایندگان مجلس با تصمیمات «نظام» و احکام قضایی کشور آن را مقابله با قانون می نامد و در باره مخالفت با مصوبه «مجمع تشخیص مصلحت نظام» در مورد بودجه کشور می نویسد: «این، مقابله صریح با قانون اساسی است و نه تنها با شعار قانون مندی سازگاری ندارد، بلکه بازی کردن با قانون اساسی است.» نوشته در ادامه با ذکر وظایف قانونی این مجمع آورده است: «به موجب این اصل، نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام فصل الخطاب است و مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان باید در موارد اختلافی نسبت به آن تمکین کنند.» مقاله در پایان آورده است: «بدون آنکه وارد ماهیت موارد اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان بشویم و به نقد و بررسی آنها پردازیم، توجه دادن به این نکته را بسیار مهم می دانیم که قوام هر نظام حکومتی با اقتیاد مسئولان آن نسبت به قانون بستگی تام دارد.»

یکی از مسایل کلیدی جامعه امروز ما که اتفاقاً بیشتر از طرف جناح حکومتی طرفدار اصلاح بارها تکرار شده است، تبعیت از قانون است. حزب توده ایران بارها با ذکر این مسئله یادآور گردیده است که قانون در رژیم ولایت فقیه یعنی تبعیت از اراده ولی فقیه و همین تناقض در رفتار و کردار بن بست هایی را برای حکومتیان طرفدار اصلاحات بوجود آورده است. سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی از یک واقعیت سخن می گوید. شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و جز اینها، نهادهای «قانونی» هستند و مصوبات آنها در چارچوب های فعلی باید «قانونی» تلقی شود. تبعیت از این قوانین و نهادها به معنی تبعیت از اراده یک شخص (ولی فقیه) بر جامعه است و این درست در جهت مخالف شعارهای مردم سالاری جناح حکومتی طرفدار اصلاحات است. تبعیت از چارچوب های فعلی که قانون نامیده می شود بن بست است که بیرون آمدن

## ضرورت همبستگی سازمان یافته با جنبش دانشجویی و مدافعان اصلاحات برای مقابله با تهاجم وسیع ارتجاع

دانشجویان و جوانان مبارز میهن ما با اراده بی خلی ناپذیر به دفاع از روند اصلاحات ادامه دادند و با شرکت پر شور در جریان انتخابات ۲۹ بهمن مجلس شورای اسلامی، در کنار میلیون ها ایرانی جان به لب رسیده از رژیم «ولایت فقیه» شکست سنگینی به نامزدهای ارتجاع تحمیل کردند.

با نزدیک شدن انتخابات خرداد ۱۳۸۰، ما بار دیگر در هفته های اخیر شاهد گسترش روز افزون تهاجم ارتجاع بر ضد جنبش دانشجویی و موج نوینی از دستگیری ها در میان کادرها و فعالان این جنبش هستیم. دفتر تحکیم وحدت در بیانه ای که از سوی «ایسنا» به تاریخ اول اسفند ماه مخابره شد، نسبت به آنچه که آن را «هجمه ی بی سابقه ی بخشی از دستگاه قضایی نسبت به این شکل نامید اعتراض کرد». در خبر مخابره شده از سوی «ایسنا» از جمله آمده است: «سیل احضارها و بازجویی های فعالان انجمن های اسلامی دانشجویان، اعضای سابق دفتر تحکیم وحدت» در بغداد گسترده بی ادامه دارد. به گفته ایسنا «نویسندگان بیانیته احضار برخی نمایندگان مجلس و بازداشت قریب داوودی مهاجر از فعالان سیاسی را به سبب آنچه که برخوردهای نامناسب و دور از شئون انسانی با وی نامیده اند، محکوم کرده و خواستار آزادی وی شده است». بر اساس همین گزارش دفتر تحکیم وحدت همچنین ضمن اعتراض به بازداشت مرتضی احمدی، عضو سابق این دفتر، به دستگاه قضایی یادآور شده است که: «باران انقلاب و امام با مقابل بی قانونی ها و بی انصافی ها ساکت نمی ماند.»

موضوع قابل توجه دیگر کارزار وسیع تبلیغاتی است که در روزهای اخیر از سوی کیهان، چماق دار مطبوعاتی ارتجاع و نشریات مشابه دیگر بر ضد

• ارتجاع حاکم مضم است کشور را در آستانه انتخابات خرداد ۱۳۸۰ هرچه بیشتر نبوی بحران بکشانند تا زمینه را برای سرکوب وسیع و سراسری جنبش آماده کند. پرونده سازی کیهان و شعار «نگذارید مجریان پروژه سیا در ایران آزادانه فعالیت کنند» اسم رمز تهاجم جدید و وسیع رژیم «ولایت فقیه» برای سرکوب خوتین جنبش مردمی است

پس از فرمان «ولی فقیه» برای یورش و برخورد خشن با «پایگاه های دشمن» و یا به عبارت روشن تر نیروها و نهادهای اجتماعی که از روند اصلاحات در جامعه ما حمایت می کنند، قوه قضائیه «ولی فقیه» یورش وسیعی را بر ضد مطبوعات و روزنامه نگاران کشور آغاز کرد که منجر به بستن بیش از ۳۰ روزنامه، نشریه و مجله مدافع اصلاحات و دستگیری و زندانی شدن شماری از روزنامه نگاران دگراندیش گردید. مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم، افزون بر خطری که از سوی مطبوعات منتقد و مدافع اصلاحات متوجه خود می دیدند، جنبش دانشجویی کشور را، که نیروی اجتماعی نیرومند، رادیکال و نسبتاً سازمان یافته مدافع جنبش ضد استبدادی است، نیز خطری جدی ارزیابی می کرده و می کنند که باید با استفاده از ترندهای گوناگون از صحنه خارج کرد. یورش خونین چاقو کشان و مزدوران مسلح «ولی فقیه» به کوی دانشگاه در ۱۸ تیرماه و فاجعه ای که در پی آن در دانشگاه های مختلف کشور رخ داد و سپس دستگیری ۱۴۰۰ کادر فعال دانشجویی و صدور احکام جابرانه اعدام و حبس های طولانی مدت برای دانشجویان آزادی خواه روشنگر ماهیت عمیقاً ضد مردمی رژیم و نقشه های پلید آن برای سرکوب کامل جنبش دانشجویی کشور بود. بر خلاف تصور ارتجاع، در پی سرکوب خونین ۱۸ تیرماه، نه تنها جنبش دانشجویی از صحنه مبارزه خارج نشد، بلکه

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

## رویدادهای ایران

از آن نیازمند یک گردش ۱۸۰ درجه ای است. چنانچه به این موارد کلیدی توجه نشود، بهزاد نبوی و همفکرانش باید به مصوبات «قانونی» نهادهای تحت کنترل رژیم ولایت فقیه تن در دهند.

## افزایش دستگیری ها و ضرورت های مقابله با آن

روند دستگیری ها و محاکمات فرمایشی روزنامه نگاران، نمایندگان مجلس، فعالان سیاسی و مخالفان رژیم ولایت فقیه به طور روزمره و گسترده ادامه دارد. هنوز از سرنوشت مهندس عزت الله سحابی و علی افشاری خبری در دست نیست، احمد زیدآبادی روزنامه نگار زندانی پس از اینکه به او قول داده شد که به درخواست هایش ترتیب اثر داده خواهد شد به اعتصاب غذایش پایان داد و بلافاصله به زندان نامعلوم دیگری منتقل گردید. گزارش های رسیده از شدت و افزایش دستگیری فعالان دانشجویی بخصوص دانشجویانی که در رابطه با دفتر تحکیم وحدت فعالیت می کردند، خبر می دهند. مرتضی احمدی عضو سابق دفتر تحکیم وحدت و فریبا داوودی از آخرین بازداشت شدگان جنبش دانشجویی هستند. با اینکه مدت زیادی از دستگیری و محاکمه یوسفی آشکوری می گذرد، وضع بلا تکلیف او نگرانی های جدی را در دلن زده است. هفته گذشته رسانه های مجاز در جمهوری اسلامی خبر دادند که الهه کولایی و احمد بورقانی دو نماینده مجلس به دادگاه احضار شده اند. قبلا نماینده مهدان دستگیر و سپس به طور موقت آزاد گردیده است. هفته گذشته منزل هدی صابر روزنامه نگار بازرسی گردید و این در حالی است که از محل بازداشت و موارد اتهامی او هیچ گونه گزارشی از طرف مرتجعین داده نشده است. استاندار کردستان، علیرضا رجایی و ولی بیگ یکی دیگر از روزنامه نگاران نیز به دادگاه احضار گردیده اند. هفته گذشته محاکمه آزرمی فرماندار تهران و تاج زاده معاون وزارت کشور مورد بحث گسترده محافل سیاسی داخل ایران بود. همچنین بر اساس دیگر گزارش ها اکبر گنجی، باقی و شمس الواعظین سه نفر از زندانیان سیاسی رژیم ولایت فقیه در اعتراض به شرایط بد زندان دست به اعتصاب غذا زدند. روند دستگیری، احضار و بازداشت فعالان سیاسی با اینکه قابل پیش بینی بود اما گسترش بی روه این دستگیری ها باید نگرانی های جدی را نیز همراه داشته باشد. هنوز اراده قاطع و مصممی که جلوی این روند را سد بکند بوجود نیامده است. صرف نظر از پیامدهای زبان یار چنین اقداماتی، برخورد فعالان با چنین سرکوب آشکاری که معنایی جز مقابله افسار گسیخته به خواست عمومی توده ها ندارد باید سرلوحه کار تمامی فعالین و گروه های سیاسی قرار بگیرد. با اینکه خبرهای نگران کننده از وضعیت زندانیان سیاسی سرشناس در روزنامه های مجاز

جمهوری اسلامی به چاپ می رسد، اما توجه به این نکته که از وضعیت بسیاری از زندانیان سیاسی غیر سرشناس هیچ گونه خبری چاپ نمی شود یا به ندرت چاپ می شود، حائز اهمیت جدی است. به همین دلیل ضرورت مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به عنوان مقدم ترین خواسته سیاسی که از مدتها قبل آغاز گردیده است باید با شدت هر چه بیشتری ادامه یابد. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی موضوع مهمی است که باید در دستور کار جنبش و مدافعان اصلاحات قرار گیرد. وقت آن است که اقدامات

## مصوبات مجلس و سد شورای نگهبان

مجلس شورای اسلامی هفته گذشته طرحی را به تصویب رساند که بر اساس آن ورود نظامیان به دانشگاه ها و بیوت مراجع ممنوع می شود. به گزارش روزنامه «حیات نو»، ۲۷ بهمن بر اساس این مصوبه ورود افراد مسلح و نیروهای نظامی موضوع ماده (۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ مجلس شورای اسلامی برای انجام مأموریت های انتظامی از قبیل تعقیب عملیاتی و دستگیری افراد و هر گونه حمل و نگهداری سلاح در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و اماکن مربوط و حوزه های علمیه و بیوت مراجع ممنوع است. همچنین به موجب بند ج این مصوبه قرار شد ورود نیروهای نظامی و انتظامی و همچنین نیروهای اطلاعاتی برای انجام مأموریت های اطلاعاتی به بیوت مراجع تقلید فقط با درخواست شخص مرجع و یا دستور قضایی و موافقت رئیس شورای امنیت کشور در چارچوب ضوابط قانونی باشد.

ما بدون اینکه بخواهیم وارد جزئیات این مصوبه مجلس ششم بشویم توجه را به یک مسئله اساسی تر معطوف می داریم. از هنگام تشکیل مجلس ششم تاکنون مصوبات کلیدی چندی مورد بررسی یا تصویب نمایندگان قرار گرفته است که بعضاً با سد شورای نگهبان یا خود شخص ولی فقیه رژیم رو به رو شده است. صرف نظر از اینکه چنین روندی چه تأثیرات مثبتی در روشن کردن افکار عمومی خواهد داشت، باید اشاره کرد که قاعدتاً این طرح نیز همچون طرح های مشابه در سد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت متوقف خواهند شد. حزب توده ایران بارها و به دفعات متناوب اعلام کرده است که اصلاحات بنیادین در چارچوب های کنونی که اراده یک نفر بر همه قوانین و نهادهای کشور حاکم است ممکن نیست. با اینکه رسیدن به چنین بینشی به تفکر غالب شماری از طرفداران واقعی اصلاحات تبدیل شده است اما هنوز هم فعالان سیاسی و نیروهای هستند که در صدد الغای این تفکرند که اصلاحات بنیادین در چارچوب رژیم ولایت فقیه امکان پذیر است. امری که چهار سال آزمون اخیر نادرستی آنرا اثبات کرده است.

## ادامه ضرورت همبستگی سازمان ...

جنبش دانشجویی و بخش هایی از جنبش اصلاح طلبی به راه افتاده است. کیهان در روزهای اخیر ضمن چاپ مقاله ای از «یک کارمند ارشد سیا» مدعی طرح براندازی رژیم از سوی آمریکای زیر پوشش اصلاح طلبی شده است. در این مدعیات کیهان هیچ نکته تازه ای نیست. قبلاً نیز «ولی فقیه» با اشاره به «تهاجم فرهنگی» و محکوم کردن روند «اصلاحات» جنبش اصلاح طلبی و نیروهای مدافع آن را «پایگاه دشمن» خوانده بود و از همه نیروهای سرکوبگر (رسمی و غیر رسمی) خواسته بود تا با این «توطئه ها» برخورد کنند.

همچنین در روزهای اخیر اجلاس مجلس «خبرگان» رژیم در جوی غیر عادی و بدون آنکه نتایج مذاکرات آن در جایی گزارش شود، برگزار شد. رفسنجانی، کارگزار کهنه کار ارتجاع، در سخنانی در نماز جمعه تهران، ضمن اشاره به اهمیت این نشست، که گویا در مورد مهمترین مسایل کشور و خطراتی که «نظام» را تهدید می کند بحث و جمع بندی کرده است، با لحن تهدید آمیزی اعلام کرد که «نظام» آمادگی «مقابله با تهدید ها» را دارد و دستورات لازم به نیروهای امنیتی داده شده است.

همه شواهد دال بر آن است که ارتجاع دور تازه ای از یورش و وسیع خود بر فصد جنبش مردمی و روند اصلاحات در میهن ما را آغاز کرده است. سطح سازمان یافتگی و ابعاد وسیع تهاجم که با تصویب خاتمه بی و سران عدله رژیم همچون رفسنجانی در حال شکل گیری است، نشانگر خطرات جدی است که جنبش را تهدید می کند. تجربه چهار سال گذشته، و خصوصاً تهاجم خونین ارتجاع به کوی دانشگاه تهران و سپس سایر دانشگاه های کشور، نشان داد که بدون همبستگی و دفاع مشترک جنبش متحمل ضربات سنگینی خواهد شد. همبستگی گسترده نیروهای اجتماعی، از جمله کارگران و زحمتکشان و سایر قشرهای مردم با جنبش دانشجویی، فعالیت هماهنگ و سازمان یافته دانشجویان در تمامی دانشگاه های کشور برای مقابله با این تهاجمات و استفاده از همه امکانات از جمله تحصن، اعتصاب یک روزه سراسری و غیره در اعتراض به تهاجم ارتجاع و حرکات مشابه، از جمله گام های عملی است که می توان برای مقابله با تهاجم رژیم برداشت. آنچه مسلم است این است که سکوت در قبال این یورش، زیر لوی هر گونه شماری (همچون «آرامش فعال») ثمرات سنگینی برای جنبش به همراه خواهد داشت. ارتجاع حاکم مصمم است کشور را در آستانه انتخابات خرداد ۱۳۸۰ هرچه بیشتر بسوی بحران بکشانند تا زمینه را برای سرکوب وسیع و سراسری جنبش آماده کند. پرونده سازی کیهان و شعار «نگذارید مجریان پروژه سیا در ایران آزادانه فعالیت کنند» اسم رمز تهاجم جدید و وسیع رژیم «ولایت فقیه» برای سرکوب خونین جنبش مردمی است. پراکندگی نیروهای مردمی و مدافع اصلاحات، بی عملی رهبری سیاسی جبهه دوم خرداد در برابر این تهاجمات و کم بها دادن به امکانات ارتجاع برای سرکوب جنبش همه خطراتی هستند که جنبش باید در برابر آنها هوشیاری لازم را داشته باشد.

19 February 2001 آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 602  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse